



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

موانع سیاسی و اجتماعی رونق تولید از منظر قرآن و نهج البلاغه

محمدجواد خوش خاضع^۱، فاطمه شرعیاتی^{۲*}، علی حسین احتشامی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: رونق تولید از چالش‌های اساسی پیش روی اقتصاد کشور در دهه‌های اخیر بوده است. در این مقاله تلاش شده به بررسی موانع سیاسی اجتماعی و فرهنگی رونق تولید از منظر قرآن و نهج البلاغه پرداخته شود.
مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.
ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: از منظر قرآن و نهج البلاغه، فساد سیاسی اداری و رانت‌خواری، فقدان شفافیت شایسته‌سالاری، رخوت و عدم کار و کوشش و همچنین غررو و رباخواری از مهم‌ترین موانع سیاسی اجتماعی رونق تولید است. از این منظر، تولید وقتی رونق می‌گیرد که کار و تلاش محوریت داشته و ملاک ارزش باشد؛ فساد سیاسی و رانت از بین رفته و به‌جای خویشاوندسالاری، شایسته‌گزینی و توجه به تخصص و تعهد در اولویت بوده و شایستگان بر مسند مدیریت قرار گیرند.

نتیجه‌گیری: تولید و رونق تولید از مفاهیم اقتصاد نوین است و آموزه‌های مستنبط از آیات قرآن و نهج البلاغه رهنمودهای کلی است که لازم است برای رونق تولید به‌عنوان خط‌مشی‌های کلی به‌عنوان منبع مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است قرآن و نهج البلاغه برحسب رویکرد کلانی که به پدیده‌ها از جمله رونق تولید داشته‌اند به‌عنوان منبع محل رجوع بوده و تدوین دستورالعمل‌های جزئی و دقیق و سازوکارهای متناسب با شرایط اقتصادی نیازمند کارشناسی دقیق و بهره‌گیری از صاحب‌نظران اقتصادی در عین توجه به این منابع است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۱-۱۰۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

تولید، رونق تولید، فساد سیاسی، شایسته‌سالاری، قرآن، نهج البلاغه.

نویسنده مسوول: فاطمه شرعیاتی

آدرس پستی: ایران، تویسرکان،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

تویسرکان، گروه علوم قرآن و حدیث.

تلفن: ۰۹۱۸۳۵۲۲۴۷۲

کد ارکید:

0000-0002-5303-7021

پست الکترونیک:

f.shareyati@gmail.com

مقدمه

بی‌شک یکی از چالش‌های اساسی فراروی اقتصاد کشور، مشکل تولید و عدم رونق تولید است. با وجودی که بیش از سه دهه از اتمام جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌گذارد، اقتصاد ایران همچنان با مشکل تولید مواجه است. همین امر سبب شده مقام معظم رهبری در نام‌گذاری سال‌ها، چندین بار بر تولید و رونق تولید تأکید کنند. رونق تولید برای کشور از همیت بالایی برخوردار است؛ زیرا از یک طرف باعث حل چالش‌های پیش روی اقتصادی مانند اشتغال می‌انجامد و از سوی دیگر منجر به شکل‌گیری قدرت اقتصادی می‌گردد که زیرساخت لازم برای سایر ابعاد قدرت است. به عبارت دقیق‌تر، رونق تولید هم باعث حل مشکلات اقتصادی می‌گردد هم آسیب‌پذیری اقتصادی را کاهش می‌دهد. در شرایط حال و در روند تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی یکی از اموری که می‌تواند در روشنگری، آگاهی‌بخشی و ایجاد انگیزه و امید و نشاط، راه‌گشا باشد، توجه به آموزه‌های دینی است. دین اسلام، مال و ثروت را از جمله نعمت و موهبت‌های الهی معرفی می‌کند که خداوند آن را در اختیار انسان قرار داده است تا به زندگی خود سامان ببخشد و از آن در جهت کمال معنوی و اخروی بهره‌برداری کند و از حدودی که بر آن تعیین شده است، خارج نشود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ۱۷). جامعیت شریعت اسلامی و رسالت جهانی پیامبر رحمت (صلی‌الله‌علیه و آله) اقتضا دارد که قرآن معجزه ابدی آن حضرت و همچنین نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از معتبرترین

متون دینی محل رجوع کشف راه‌حل مشکلات از جمله تبیین موانع و مشکلات فراروی تولید و رونق تولید قرار گیرد. البته تألیفات متعددی در زمینه موانع تولید انجام گرفته است: علی‌رضا سربندی فراهانی در مقاله‌ای به بررسی موانع تولید و پیشرفت علم در کشورهای در حال توسعه پرداخته است (سربندی فراهانی، ۱۳۸۴). علی شمس اردکانی و حامد فرنام، نیز در مقاله‌ای، حمایت از تجاری‌سازی، تولید و سرمایه‌گذاری و رفع موانع تولید را مورد بررسی قرار داده است (شمس اردکانی و فرنام، ۱۳۹۳). همچنین ماریه یدالهی و سجاد غریبی، در مقاله‌ای از آسیب‌شناسی قوانین و مقررات «حوزه تولید» در نظام اداری ایران بحث کرده‌اند (یدالهی و غریبی، ۱۴۰۰). اما تاکنون تحقیق مستقلی به بررسی موانع سیاسی اجتماعی رونق تولید از منظر قرآن و نهج‌البلاغه نپرداخته است و در مقاله حاضر تلاش شده به این امر مهم پرداخته شود. سؤال اساسی که در این مقاله این است که از منظر قرآن و نهج‌البلاغه موانع رونق تولید کدام‌اند؟ فرضیه مقاله قابل طرح این است «فساد سیاسی اداری و رانت‌خواری، فقدان شفافیت شایسته‌سالاری مهمترین عوامل سیاسی و رخوت و همچنین رباخواری از مهم‌ترین موانع اجتماعی رونق تولید است». به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا به مفهوم تولید پرداخته شده و در ادامه از موانع سیاسی و اجتماعی رونق تولید از منظر قرآن و نهج‌البلاغه بحث شده است.

مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها

از منظر قرآن و نهج‌البلاغه، فساد سیاسی اداری و رانت‌خواری، فقدان شایسته‌سالاری، رخوت و عدم کار و کوشش و همچنین غرور و رباخواری از مهم‌ترین موانع سیاسی اجتماعی رونق تولید است. از این منظر، تولید وقتی رونق می‌گیرد که کار و تلاش محوریت داشته و ملاک ارزش باشد؛ فساد سیاسی و رانت از بین رفته و به‌جای خویشاوندسالاری، شایسته‌گزینی و توجه به تخصص و تعهد در اولویت بوده و شایسته‌گان بر مسند مدیریت قرار گیرند.

بحث

۱- تولید

تولید واژه‌ای است که از نظر لغوی به معنای به وجود آوردن می‌باشد (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳، ۲۹۵). اما در علم اقتصاد، عبارت است از تغییر شکل، تلفیق یا ترکیب در عوامل تولید که به‌منظور به وجود آمدن کالا یا خدمات می‌باشد که نزد مصرف‌کننده مطلوبیت دارد» (مشرف جوادی، ۱۳۹۳). در یک تعریف کلی‌تر، تولید عبارت است از هرگونه فعالیت و کار (صرف انرژی) که عنصر یا عناصری از طبیعت را به مصرف انسان نزدیک کند؛ برای مثال کشت گندم که از یک‌دانه گندم چندین ده دانه به وجود می‌آورد؛ یعنی خاک را به مصرف نزدیک می‌سازد (توانایی فرد، ۱۳۸۵، ۸۱۷). در

مجموع تولید از اصطلاحات علم اقتصاد، به معنی تهیه کالا و خدمات مورد نیاز با استفاده از منابع و امکانات موجود است؛ و میزان تولیدات و ارزش اقتصادی آن یکی از مهم‌ترین ابزار اندازه‌گیری موفقیت‌های اقتصادی کشورهاست. رونق تولید به معنای شکوفایی ظرفیت‌های اقتصادی است و موضوعی حیاتی برای شرایط حال و آینده کشور است؛ زیرا از یک‌سو، ناظر بر حل مسائل و چالش‌های حاکم بر اقتصاد کشور است و از سوی دیگر، معطوف به ظرفیت‌سازی و استحکام ساختار اقتصادی کشور در آینده می‌باشد. به عبارت دیگر رونق تولید هم نسخه‌ای برای حل و رفع چالش‌های کنونی اقتصاد کشور است و هم در بلندمدت، منجر به کاهش و از بین رفتن آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ملی می‌شود (غلام‌پور، ۱۳۹۹). به‌طور طبیعی فعالیت‌های تولیدی عمدتاً در بخش صنایع، معادن و کشاورزی قرار می‌گیرد و بدین ترتیب رونق تولید در گرو فعال شدن این بخش‌های اقتصاد است.

۲- موانع سیاسی رونق تولید از منظر قرآن و

نهج‌البلاغه

در این قسمت به بررسی موانع رونق سیاسی رونق تولید از منظر قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته می‌شود.

۲-۱. فساد سیاسی اداری و رانت‌خواری

یکی از مهم‌ترین موانع رونق تولید، فساد سیاسی و اداری و رانت‌خواری است. فساد و رانت یک امر سیاسی است و کنترل آن هم یک امر سیاسی است لذا نیازمند اراده سیاسی است. امروزه سیاسی و

کاهش می‌یابد و با پرداختن به کارهایی که بازده شخصی دارند کارهایی که بازده عمومی و اجتماعی دارند متوقف می‌شوند» (رحیمی، ۱۳۹۳، ۶۲-۶۱) و سرانجام این که تولیدات داخلی از رونق می‌افتد. فساد سیاسی اداری و رانت‌خواری به عنوان موانع رونق تولید از دیدگاه قرآن کریم و نهج‌البلاغه مذموم و ممنوع و مورد نکوهش است. نمونه‌ای از نفی رابطه‌گرایی را می‌توان در آیه ۱۲۴ سوره بقره به خوبی مشاهده نمود: «و یادآور هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به جای آورد؛ خدا گفت: من تو را به پیشوایی خلق گزینم». این آیه قرآن به خوبی هرگونه رابطه‌گرایی نفی می‌کند و معیارهای صحیح را جایگزین آن می‌نماید» (قرائتی، ۱۳۷۹، ۱، ۱۹۷).

از جمله خطراتی که در کمین هر مسئولی است وابستگی فاسد او می‌باشند که منجر به باز شدن راه فساد مالی در حکومت می‌شوند زیرا اطرافیان و نزدیکان مدیران و مسئولان، اغلب به دلیل نزدیکی و ارتباط ویژه با مدیر، تلاش می‌کنند از این قرابت و نزدیکی استفاده کنند و منافع مادی و معنوی زیادی را برای خود طلب نمایند و با استفاده از موقعیت و جایگاه ویژه خود از امکانات و منابع سازمان مربوطه به نفع خویش بهره‌برداری کنند، این همان چیزی است که امروز به «رانت‌خواری» یا «ویژه‌خواری» مشهور شده است» (فرستی، ۱۳۹۳، ۴۳). حضرت علی (ع) در تحلیل و نقد دوران حکومت عثمان بن حنیف می‌فرماید: «تا آن که سومی به خلافت رسید و خویشاوندان پدری او از بنی امیه به پا خاستند و همراه او بیت‌المال را

ادری و رانت‌خواری در ایران تنها به رشوه در ادارات محدود نمی‌شود، بلکه این فساد اکنون در تار و پود برخی دستگاه اداری درهم تنیده و افراد با توسل به این موضوع، پله‌های ترقی را طی می‌کنند (فرستی، ۱۳۹۳، ۳۴). فساد سیاسی و اداری و رانت‌خواری دارای پیامدهای منفی زیادی است که یکی از مهم‌ترین آثار منفی آن عدم رونق تولید است. در همین حال در یک اقتصاد مبتنی بر رانت، ثروتمند شدن افراد نه به دلیل تلاش و فعالیت اقتصادی آن‌ها، بلکه در اثر رابطه با عوامل قدرت سیاسی شکل می‌گیرد. با ایجاد و گسترش روحیه رانتی و فراگیر شدن فعالیت‌های فرصت‌طلبانه، روحیه‌ی کار و تلاش در جامعه از بین می‌رود (حاجی یوسفی، ۱۳۷۸، ۳۲). در این رفتار اقتصادی، افراد جامعه، گروه‌ها و شرکت‌ها، وارد یک رقابت سنگین برای به دست آوردن سهم بیشتری از رانت در حال گردش می‌شوند و لزوم کارایی فعالیت‌های تولیدی به فراموشی سپرده می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۳، ۶۱). در یک اقتصاد رانتی نظام انگیزشی لازم، برای بروز خلاقیت و نوآوری، فرو می‌ریزد و تولیدکنندگان منزوی شده و رغبتی به مشارکت در فعالیت‌های تولیدی را از خود نشان نمی‌دهند (همدمی، ۱۳۸۳، ۵۷). «در این حالت، کارآفرینان واقعی، عرصه را به نفع رانت‌جویان و وابستگی مقامات سیاسی خالی می‌کنند و راه بر رشد و تکامل، براساس قابلیت‌ها و شایستگی‌ها بسته می‌شود و در نتیجه استعدادها به سمت درآمدهای سهل‌الوصول گرایش پیدا می‌کند و توسعه و پیشرفت فناوری مختل می‌شود؛ بهره‌وری

خوردند و بر باد دادند، چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاهان بهاری بیفتد» (دستی، ۱۳۷۷، ۳). و در هر حکومت و سازمانی این عامل فساد یافت می‌شود و در صورتی که از آنان جلوگیری به عمل نیاید تمام منابع کشور و بیت‌المال مسلمین را به نفع خود استفاده می‌کنند در حالی که ذره‌ای به حکومت نفعی نمی‌رسانند. امیرالمؤمنین علی (ع) این عامل را یکی از راه‌های نفوذ فساد به خصوص فساد مالی می‌داند و در عهدنامه مالک او را نسبت به سوءاستفاده و بیژگان و نزدیکان آگاه می‌کند. «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاول‌گرند و در معاملات انصاف ندارند، ریشه‌ی ستمکاری‌شان را با بریدن اسباب آن بخشکان، و به هیچ‌یک از اطرافیان و خویشاوندان زمینی را واگذار مکن و به‌گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که مردم زیان‌رسانند» (دستی، ۱۳۷۷، ۲۲۴).

از نشانه‌های سلامت یک حکومت در طول مدت حکمرانی آگاهی مردم جامعه از تمامی مسائل کشور جز در موارد خاص نظامی است زیرا «یکی از راه‌های پیشگیرانه در فساد مالی شفاف‌سازی دقیق و بدون اغراق است؛ زیرا پیش‌گیری از فساد مالی جز در فضای روشن و در روابط و مناسبات مدیریتی شفاف معنا نمی‌یابد. زیرا پنهان‌کاری، عدم اطلاع‌رسانی درست و جامع و وجود قراردادها و معاملات سایه‌ای ملازم فساد مالی است. امیرمؤمنان درباره‌ی شفاف‌سازی در مدیریت در عهدنامه مالک اشتر چنین آموزش داده است: «و

هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آن در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتش ده؛ که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت است و این پوزش‌خواهی تو آنان را به حق وامی‌دارد (دستی، ۱۳۷۷، ۵۳).

اگر گزینش کارگزاران به درستی صورت گیرد جایگاهی برای ایجاد فساد مالی باقی نمی‌ماند زیرا خاستگاه آن در کارمندان و کارگزاران حکومت است. بدین منظور در اولین قدم انتخاب کارمندان نیازمند به یک اساسنامه دقیق و روشن هستیم که تمامی مدیران ارشد هم خود براساس آن گزینش شده باشند و هم دیگران را براساس آن گزینش نمایند آنچه ما از آن به‌عنوان اساسنامه استخدامی یاد می‌کنیم با توجه به آیات قرآن و فرمایشات امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد. اولین قدم در گزینش آزمایش کردن و انتخاب براساس مشورت می‌باشد؛ چنان‌که حضرت در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن؛ زیرا نوعی ستمگری و خیانت است» (دستی، ۱۳۷۷، ۵۳). البته شایان ذکر است که انتخاب افراد براساس امتحان و آزمایش یک سنت الهی می‌باشد که در قرآن کریم بارها به آن اشاره شده است. مانند آن‌که می‌فرماید: «و یاد کنید. هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به تکالیفی بسیار مهم آزمایش کرد پس او همه را به‌طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش (به خاطر شایستگی او)

بهترین گزینش‌ها و انتخاب‌ها را دارد. زمانی می‌توان در یک کشور از فساد مالی به شکل گسترده جلوگیری نمود که کارمندان و کارگزاران آن در تمامی سطوح از فساد مالی در تمام زمینه‌ها جلوگیری نمایند البته این مهم زمانی به دست می‌آید که استخدام کارمندان به شکل صحیح صورت بگیرد. لذا اولین نکته که به آن اشاره می‌کنیم جلوگیری از فساد استخدامی می‌باشد.

۲-۲. فقدان شفافیت

یکی از موانع رونق تولید، فقدان شفافیت است. فقدان شفافیت ارتباط تنگاتنگی با عامل پیشین یعنی فساد دارد. برای اینکه بنیان جامعه‌ای شکل بگیرد افراد جامعه باید زمینه‌های اعتماد را برای یکدیگر فراهم کنند. قرآن، رسیدن انسان به پیشرفت مادی و تعالی معنوی را جز در بطن اجتماع میسر نمی‌داند. توجه به اعتماد در نظم اجتماعی با ظهور مکتب کارکردگرایی در انسان‌شناسی و مکتب کارکردگرایی ساختاری در جامعه‌شناسی، توسعه یافته است. به عبارتی، پایین بودن اعتمادِ تعمیم یافته در هر جامعه‌ای یکی از موانع اصلی توسعه و رونق در تولید محسوب می‌شود. امام علی (ع) برای شفاف‌سازی در امور تعبیر بسیار لطیف «فأصحر» را به کار برده است. این تعبیر از صحرا گرفته شده است. یعنی امور و مسائل را چون صحرا در برابر مردمان قرار دادن و آشکار ساختن که در صحرا همه‌چیز را روشن و آشکار است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰، ۳۰۹). در نگاه امیرالمؤمنین (ع) چیزی مانند شفافیت موجب

فرمود: من تو را برای همه‌ی مردم پیشوا قرار دادم» (بقره/۱۲۴). از عبارت «وَأَبْتَلِي إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ» برداشت می‌شود که پیامبران نیز مورد آزمایش الهی قرار می‌گیرند و برای منصوب کردن افراد به مقامات، گزینش و آزمایش لازم است و از جمله فَأَتَمَّهِنَّ برداشت می‌شود که پست‌ها و مسئولیت‌ها باید تدریجاً و پس از موفقیت در هر مرحله به افراد واگذار شود (قرائتی، ۱۳۷۹، ۱، ۱۹۸). از دیگر آموزه‌های حضرت به مالک طبق روایت شعبه حرانی چنین است: «برای سرپرستی کارهایت بر وفاییشان و فرهیختگان را برگزین» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۱۳۷). با آن که برای او نوشته است: «کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندانی پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن» (دستی، ۱۳۷۷، ۵۳). و یا در ادامه در فرازی دیگر می‌فرماید: «به کاتبان و نویسندگانی اعتماد داشته باش که در میان مردم آثاری نیکو گذاشته و به امانت‌داری از همه مشهورترند» (دستی، ۱۳۷۷، ۵۳). استخدام و گزینش کارگزارانی که دارای تجربه هستند و از آن به‌درستی استفاده می‌کنند یکی از مهم‌ترین معیارها برای حل بسیاری از مشکلات و معضلات می‌باشد؛ زیرا استخدام افراد بی‌تجربه موجب می‌شود که در رویارویی با چالش‌ها نه‌تنها دچار آشفتگی شوند، بلکه در بسیاری از مواقع ممکن است با تصمیمات نابجا در مدیریت زمینه‌ساز فساد مالی شوند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «نگهداری تجربه بخشی از موفقیت است» (دستی، ۱۳۷۷، ۲۱۱)؛ زیرا انسان باتجربه با کمترین درصد خطا،

او را بدفرجام می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۷، ۵۸). لذا مسئولان باید در راستای رونق تولید باید نسبت به خدمت‌رسانی به مردم، صادق و شفاف باشند تا اعتماد مردم را به حکومت جلب نمایند؛ زیرا زمانی تولیدکنندگان با خیال آسوده به تولید می‌پردازند که اعتماد به مسئولین، درخصوص عدم پایمال شدن حقوقشان داشته باشند. در غیر این صورت به دلیل مشغولیت فکر و ذهنشان، برای احقاق حقوق خود، در تولید، کم خواهند گذاشت.

و نیز قرآن کریم در آیه ۱۸۷ سوره آل عمران می‌فرماید: «بخاطر بیاورید هنگامی را که خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید اما آنها آن را پشت سر افکندند و به بهای کمی مبادله کردند؛ چه بد متاعی خریدند؟» لذا بر این اساس، «بیان حقایق باید به گونه‌ای باشد که چیزی برای مردم نامشخص و پنهان نماند» (قرائتی، ۱۳۸۷، ۲۱۸). هم‌چنین امام علی (ع) در نامه‌ی ۵۳ در راستای دو واژه‌ی اعتماد و شفافیت، می‌فرماید: «اگر مردم درباره تو گمان بد بردند عذر و دلیلت را آشکارا برایشان مطرح کن و سوءظن مردم را از اذهانشان دور نما. زیرا این شیوه، درباره خود تو ریاضت و برای رعیت، لطف است و مرحمت و این عذرخواهی وسیله‌ای خواهد بود که حق و عدالت را به آنان بیاموزی و به پیروی از حق وادارشان سازی.» یکی از مشکلات حکومت‌ها این است که بسیاری از مردم از جزئیات مسائلی که در جامعه می‌گذرد ناآگاه هستند و گاه زمامدار عادل، دست به اقداماتی برای حل مشکلات و اصلاح امور می‌زند که دلپیش بر آنها مخفی است.

جلوگیری از فساد مالی نمی‌شود، زیرا خاستگاه فساد زمانی است که در حکومت و مدیریت شفاف‌سازی انجام نشود در این صورت زمینه برای خلافتکاری و تباهی فراهم می‌شود. اگر همه چیز شفاف صورت گیرد اقدامات مفسدانه و خلاف قانون به راحتی قابل حسابرسی و پیگرد قانونی می‌باشد. وقتی اعتماد تعمیم یافته گسترش یابد دایره شمول افرادی را که بتوان به آنها اعتماد کرد وسیع تر می‌شود و این باعث می‌شود فرد، نسبت به اجتماع، احساس تعلق کند» (صادقی و صادقی، ۱۳۹۰). البته این اعتماد زمانی رخ خواهد داد که شفافیت در مسائل اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد و ماحصل شفافیت، عدم ظلم و خیانت است. حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «بدانید حق شما بر من است که چیزی را از شما جز اسرار جنگ پنهان ندارم» لذا اگر این شفافیت وجود داشته باشد و اعتماد به حکومت و مدیران ایجاد گردد مشارکت در تولید بالا رفته و مدیران، تولیدکنندگان و کارگران از دل و جان برای رونق تولید داخلی مایه می‌گذارند.

در سوره اسراء آیه ۳۵ آمده: «و چون (مالی را در مقام دادن یا گرفتن) پیمانانه کنید پیمانانه را پر کنید و (نیز) با ترازوی درست بسنجید، که این (امانت پیمانانه و وزن از نظر عقل) خیر است و (از نظر حفظ اعتماد جامعه) سرانجامش نیکوتر است». نتیجه‌ی دادوستد درست و رعایت حقوق مردم، به خود انسان باز می‌گردد چون ایجاد اعتماد می‌کند ولی کم‌فروش گرچه به سود موقت می‌رسد ولی از دست دادن اعتبار دنیوی و فراهم شدن عذاب اخروی، کار

همین امر موجب بدگمانی مردم می‌شود و اگر این بدگمانی‌ها روی هم مترکم گردد ممکن است مردم را از حکومت جدا سازد؛ از این رو، هرگاه والی و زمامدار، احساس کند سوءظنی برای مردم درباره مسئله‌ای پیدا شده باید آشکارا دلیل منطقی کار خود را بیان دارد تا آنها آرامش فکر پیدا کنند و سوءظنشان برطرف گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۱، ۱۰۳). اگر این آرامش فکری در قشر تولیدکننده ایجاد گردد سبب یک‌رنگی بین آنها با مسئولین شده و با پشتکار بیشتری در راستای رونق تولید همت می‌گمارند. برای اینکه بنیان جامعه‌ای شکل بگیرد افراد جامعه باید زمینه‌های اعتماد را برای یکدیگر فراهم کنند. قرآن، رسیدن انسان به پیشرفت مادی و تعالی معنوی را جز در بطن اجتماع میسر نمی‌داند. توجه به اعتماد در نظم اجتماعی با ظهور مکتب کارکردگرایی در انسان‌شناسی و مکتب کارکردگرایی ساختاری در جامعه‌شناسی، توسعه یافته است. به عبارتی، پایین بودن اعتمادِ تعمیم‌یافته در هر جامعه‌ای یکی از موانع اصلی توسعه و رونق در تولید محسوب می‌شود.

۲-۳. فقدان شایسته‌سالاری

تولید نیازمند دانش و تخصص و تعهد و به عبارت دقیق‌تر شایسته‌سالاری است. از مهم‌ترین دلایل عدم رونق تولید، فقدان شایسته‌سالاری است. شایسته‌سالاری در اصطلاح به معنای انتخاب بهترین و تواناترین افراد به‌منظور واگذاری مسئولیت‌هاست (نصر اصفهانی و نصر اصفهانی،

۱۳۸۹، ۱۴۷). شایسته‌سالاری به معنای مهارت، توانایی و لیاقت در انجام امور است (گلکار و ناصحی‌فر، ۱۳۸۱، ۷-۱۰؛ کاظمی و همکاران، ۱۳۹۰، ۵۳). شایسته‌سالاری در اسلام همواره مورد تأکید قرار گرفته است. در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء آمده است: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!» گرچه مفسران منظور از بندگان شایسته را حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و یاران با وفایش می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۷، ۳، ۳)، اما از این آیه می‌توان ضرورت و اهمیت شایسته‌سالاری را استخراج نمود. در شرح این آیه و ویژگی شایستگان و ضرورت حکومت آنها چنین آمده است: «با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا، مسئله ایمان و توحید آنها روشن می‌شود، و با توجه به کلمه صالحون که معنی گسترده و وسیعی دارد، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید: شایستگی از نظر عمل و تقوا، شایستگی از نظر علم و آگاهی، شایستگی از نظر قدرت و قوت، و شایستگی از نظر تدبیر و نظم و درک اجتماعی. هنگامی که بندگان با ایمان این شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز کمک و یاری می‌کند تا آنها بینی مستکبران را به خاک بمالند، دست‌های آلوده‌شان را از حکومت زمین کوتاه کنند، و وارث میراث‌های آنها گردند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۳، ۱۹۳). آیه مورد اشاره از جمله آیه‌هایی است که نه تنها ضرورت شایسته‌سالاری در آن نهفته است بلکه خداوند متعال وارث اصل زمین را شایستگان معرفی می‌نماید. یعنی زمانی که خلقت انسان به مرحله تکامل رسیده است

مسئولیت اقتصادی کشور مصر را می‌پذیرد، چون خود می‌داند که توانایی اداره امور در این زمینه را دارد. او هم امانت‌دار و حفیظ است و هم آگاه، متخصص و دانا (سجادی، ۱۳۸۵، ۷۷).

مدیر اسلامی، دو رسالت «تعالی» و «تولید» را بر عهده دارد؛ منبع تغذیه فکری و روحی مدیر برای تحقق رسالت تعالی «مکتب» است؛ اما رسالت دیگر مدیر، یعنی «تولید»، متکی و متصل به علم و پیشرفت علوم است؛ از این رو، مدیر اسلامی، برای بهره‌وری کامل از علم موجود در زمینه‌ی تولید، باید در جریان و سیر مطالعاتی پیشرفت علوم در جهان که یک سیر تکوینی است، قرار داشته باشد (چهاردولی و کرمی، ۱۳۹۴، ۴۴۰) و خود را در تخصص مورد نیاز قوی نماید؛ هم‌چنان که قرآن کریم در آیه ۱۱ سوره مجادله می‌فرماید: «خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد.» آیه مذکور اشاره به این دارد که هرچه ایمان قوی‌تر و علم بیشتر باشد درجات بالاتر می‌رود (طیب، ۱۳۷۸، ۱۶، ۴۵۶) و صاحبان علم و دانش، باید در جامعه اسلامی از جایگاه بالا و والایی برخوردار باشند (قراحتی، ۱۳۸۷، ۹، ۵۱۷). لذا برخورداری از علم و دانش در زمینه‌ی مدیریت اسلامی تولید و آشنایی با ابعاد و زوایای مسئولیت و وظایف آن، از ویژگی‌های برجسته‌ی یک مدیر مؤمن است. قرآن، چه زیبا علم را در کنار ایمان مایه‌ی ارتقاء و تدرج به درجات بالاتر می‌داند. این آیه شریفه نشان‌دهنده این مهم است که ممکن نیست ایمان واقعی بدون همراهی علم و دانش کسب شود. واضح است که

شایستگان در مسند قدرت قرار می‌گیرند و حکومت را در جهت تعالی افراد بشر بکار می‌گیرند. از اصول اساسی شایسته‌سالاری، داشتن تخصص است (سجادی، ۱۳۸۵، ۷۷). براساس سنت الهی، هیچ مسئولیتی به افراد مگر براساس تخصص و شایستگی آن‌ها واگذار نمی‌شود. رسالت پیامبران و اموری که به آن‌ها واگذار شده بیانگر این سنت است. مطابق آیه ۵۸ سوره نساء اداره امور و امامت جامعه همواره به کسانی که اهل آن بوده‌اند واگذار شده است. منظور از اهل در اینجا، توانایی و شایستگی است. به‌عنوان مثال براساس آیات قرآن (بقره/۳۰) طالوت به خاطر توانایی جسمی و داشتن دانش و آگاهی به مقام فرماندهی بنی‌اسرائیل رسید و فرماندهی جنگ با جالوت را بر عهده گرفت. هنگامی که یوسف از زندان آزاد گردید و عزیز مصر درصدد برآمد به وی مسئولیتی را واگذار نماید، گفت: «مرا سرپرست خزائن مصر قرار ده که نگهدارنده (حفیظ) و آگاهم» (یوسف/۵۵). حفیظ در آیه مورد اشاره، به معنای نگه‌دارنده و دیعه است. گفتنی است از این‌که یوسف علیه‌السلام برای رسیدن به مقام وزارت خزانه‌داری و مالیه، از خود به صفت «حفیظ» و «علیم» یاد می‌کند، استفاده می‌شود که کارگزار حکومت، باید امین باشد (الطبرسی، ۱۴۱۵، ۵، ۴۱۸). یوسف به هنگام پیشنهاد پست خزانه‌داری مصر خود را با جمله "حفیظ علیم" ستود، زیرا لازم بود سلطان مصر و مردم بدانند که او واجد صفاتی است که برای سرپرستی این کار نهایت لزوم را دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۱۶، ۶۴). حضرت یوسف

حضرت: «اقوا، باسیاست‌ترین و باتدبیرترین است و اعلم به امر خدا، کسی است که دانش لازم را داشته باشد تا آن سیاست و تدبیرها را بر طبق دانش به اجرا در آورد. پس هر دو ویژگی لازم است. چه بسا فردی در سیاست ماهر باشد، ولی حکم خدا را در آن مورد نداند و ممکن است کسی دانش سیاسی و دینی داشته باشد، ولی مطابق عملش، آن سیاست‌ها را به اجرا نگذارد» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۱۶، ۱۷۶). براساس آنچه گفته شد، تخصص از ارکان و لوازمات اصلی شایسته‌سالاری است.

«با توجه به تغییراتی که در اقتصاد جهانی پیش آمده؛ سرمایه‌ی نیروی انسانی در کانون توسعه‌ی اقتصادی و تولیدی قرار گرفته است. هرچند سرمایه‌های فیزیکی مانند زمین، ساختمان، کارخانه‌ها و غیره برای توسعه‌ی اقتصادی و رونق تولید ضروری هستند. اما منابعی، منفعل هستند. در مقابل، منابع انسانی، فعال و محرک همه‌ی فعالیت‌های انسانی هستند؛ که در کل، منجر به رونق تولید و رفاه انسان‌ها می‌شوند. مسئولین جوامع مختلف به جهت نیازی که به مهارت و توانمندی در عرصه‌های تولید دارند می‌باید در آموزش مدیران و نیروی کار به صورت هدفمند اقدام نمایند.

در کنار تخصص، تعهد یکی دیگر از ارکان شایسته‌سالاری در اسلام است (سجادی، ۱۳۸۵، ۷۷) معیار مهم دیگر شایستگی از نظر اسلام تقوی است: «گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شما است» (حجرات/۱۳) در شایسته‌سالاری به مفهوم

علم و دانش مدیر یک واحد تولیدی باید مطابق با تخصص، ویژگی‌ها، وضعیت و اهداف معینه آن واحد باشد.

حضرت علی (ع) در رهنمودی به یکی از کارگزارانش فرمود: «در به‌کارگیری کارمندان که باید زیر نظر تو کار کنند، واسطه و شفاعتی را نپذیر؛ مگر شفاعت کفایت را و کفایت، یعنی شایسته‌سالاری (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۲۰، ۲۷۶). به اعتقاد حضرت علی علیه‌السلام همانند مقام رهبری جامعه، به ترتیب دیگر پست‌های مدیریتی جامعه و نظام سیاسی، مسئولیت‌هایی هستند که افراد کاردان و متخصص خود را می‌طلبند و هر پستی، به توان، شایستگی و تخصص ویژه‌ای نیاز دارد و هرگز جایز نیست کسی جز آن که اهلیت مقامی را دارد، عهده‌دار آن شود یا افراد بی‌کفایت به کاری گمارده شوند. در غیر این صورت، جامعه مسیر اصلی توسعه و کمال را نخواهد پیمود.

مهم‌ترین اصل در انتخاب کارگزاران، از دیدگاه حضرت علی علیه‌السلام توانایی و آگاهی حاکم و کارگزار است، آنجا که می‌فرماید: «ای مردم! سزاوارترین افراد به خلافت، کسی است که بدان توانا تر باشد...» (شریف الرضی، ۱۳۸۶، ۱۷۳).

ایشان در جای دیگر فرموده است: «کار مردم جز به شایستگی زمامداران سامان نمی‌یابد» (شریف الرضی، ۱۳۸۶، ۲۱۶). بر این اساس از دید حضرت علی (ع) امور به‌وسیله کارگزاران شایسته و کاربلد به سرانجام می‌رسد. و ناتوانی کارگزاران مهم‌ترین آفت و عامل عدم تحقق کاره است. به عقده آن

علمی و رایج آن، تمرکز بر تخصص، دانش و مهارت افراد است (گنجعلی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۱۴-۹۱)، اما از منظر قرآن، تعهد و تخصص در کنار هم، دو معیار اساسی برای شایسته‌سالاری هستند (واثق، ۱۳۸۸، ۹۶-۷۱).

پیش‌تر اشاره شد که براساس آموزه‌های قرآنی، واگذاری مسئولیت‌ها به شایسته‌گان و اداره امور به‌وسیله آن‌ها سنت الهی است (انعام/۱۲۴)؛ و مسئولیت‌ها امانات الهی قلمداد می‌شوند (نساء/۵۸). بر این اساس اداره امور جامعه از بزرگ‌ترین امانت‌هاست که واگذار می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۴، ۳۸۵). برای این منظور لازم است فرد دارای ویژگی‌های ارزشی و ایمانی باشد که به‌نوعی بر تعهد دلالت دارد. مهم‌ترین گواه در این خصوص آیه ۴۶ سوره ص است که به یاد قیامت بودن را لازمه تصدی امور می‌داند (حق پناه، ۱۳۸۱). در آیه ۲۶ سوره قصص نیز در کنار قدرت و توانایی، امین‌بودن یکی از ویژگی‌های حضرت موسی (ع) برای استخدام از زبان دختران حضرت شعیب ذکر شده است. براساس آنچه گفته شد، مطابق آیات قرآن، تعهد یکی از ارکان و مؤلفه‌های مهم شایسته‌سالاری است. تعهد در کنار تخصص، عنصر مهمی است که لازم است مدنظر قرار گیرد.

در تولید، دانش و تجربه و تخصص از اهمیت بالایی برخوردار است. زیرا فرایندی معطوف به آگاهی و تخصص است. چنانچه در جامعه‌ای شایسته‌سالاری مبنا قرار نگیرد نمی‌توان انتظار داشت که تولید رونق گیرد. شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی بستر مناسب رونق تولید است.

شایسته‌سالاری و دیوان‌سالاری از آنجا که منابع انسانی بیشترین نقش را در توسعه یک کشور دارند، اگر بدرستی در جایگاه متناسب و شایسته خود قرار گیرند و همگام با دیگر اجزای سازمان اداری به صورت هماهنگ به منظور تحقق اهداف نظام اداری هدایت شوند، بدون شک گام مهمی در راستای ایجاد یک نظام اداری پاسخگو، شفاف، قانونمند و مبتنی بر شایسته‌سالاری برداشته می‌شود. عدم شایسته‌سالاری دلایل متعددی دارد تا حدود زیادی در فرهنگ و تاریخ جامعه ما ریشه دارد و مبارزه با آن و بازگشتن به قانون و شایسته‌سالاری در کنار اقدامات قانونی، نیازمند کار فرهنگی است.

۳- موانع اجتماعی رونق تولید از منظر قرآن و نهج‌البلاغه

در این قسمت از موانع اجتماعی رونق تولید از منظر منظر قرآن و نهج‌البلاغه بحث می‌شود.

۳-۱. رخوت و عدم کار و کوشش

یکی از مهمترین موانع رونق تولید، رخوت و عدم کار و کوشش است. قرآن، در کنار طبیعت به عنوان منبع ثروت، بر نیروی انسانی به عنوان عامل مهم تولید تأکید دارد. در آیه ۱۵ سوره ملک آمده است: «او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست. در جای دیگر، ایجاد ارتباط و پیوند میان کار و طبیعت با صراحت بیشتری آمده است». همچنین مطابق آیه ۳۴ و ۳۵ سوره یس: «و در آن باغ‌هایی

«مردمان فرزندان کاری هستند که آن را خوب انجام می‌دهند» (آمدی، ۱۴۲۹، ۴۷۶). علاوه بر این، امیرمؤمنان می‌فرماید: «هرگاه از کاری ترسیدی خود را در آن بیفکن، زیرا حذر کردن تو از آنچه که از آن می‌ترسی سخت‌تر است (شریف رضی، ۱۹۶۸، ۱۸، ۵۰۱). ذوالقرنین در این باره الگوی خوبی برای مخاطبان قرآن است؛ زیرا وی زمانی که در سفر خود به منطقه «بین السدین» ضرورت وجود «سد» را دریافت، با وجود اینکه این کار بسیار سخت بود و نیاز به امکانات، طراحی و اندیشه دقیق و ظریف بود و زمان زیادی را نیز می‌طلبید، با کوشش پیگیر و جدی به ساختن آن پرداخت و از این راه مردمان این منطقه را از حملات قوم «یأجوج و مأجوج» بازداشت. حضرت علی می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که مسئولیت‌های واجب را در پیشگاه پروردگار خویش به انجام می‌رساند و در راه او هرگونه تلخی و سختی را به جان می‌خرد و خواب شب را کنار می‌گذارد» (فرقانی، ۱۳۹۷، ۹۳).

براساس آنچه گفته شد، رخوت و تنبلی از مهم‌ترین موانع رونق تولید بوده و جهاد اقتصادی از دلایل رونق اقتصادی است که در آن تمام مسئولان و مردم سهیم هستند و هر یک وظایفی به عهده دارند. برای موفقیت در این کار مسئولین باید بدون در نظر گرفتن منافع شخصی خود و گروهی به فکر حل مشکلات اقتصادی عامه و مردمی باشند، از تمام نیروی تولیدی خود جهت رونق اقتصادی استفاده کنند، مصرف‌کنندگان نیز با مصرف تولید داخل، حلقه‌ی آخر این زنجیره را تکمیل می‌کنند.

از نخل‌ها و انگورها قراردادیم و چشمه‌هایی از آن جاری ساختیم، تا از میوه آن و از دسترنج خویش بخورند». در این آیات، «زمین»، «آب» و «درخت» به‌عنوان منبع تولید، و حرکت و تلاش در زمین به‌عنوان ابزار تولید معرفی شده است (حبیبی، ۱۳۹۴، ۱۳۷). بر این اساس، وقتی منابع در اختیار انسان قرار گرفته است لازم است در توسعه و تولید از این منابع کوشش شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۲۳، ۱۲۱). همچنین در آیه ۳۹ سوره نجم آمده است: «و برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست» قرآن کریم این را به‌عنوان یک اصل ذکر کرده است، که هرکس به نتیجه تلاش خود می‌رسد. از این رو انسان‌ها را به کار و تلاش تشویق می‌کند (اصغری، ۱۳۹۵، ۳۸). و نیز در آیه ۳۲ سوره نساء می‌فرماید: «مردان از آنچه به دست می‌آورند نصیبی دارند و زنان نیز نصیبی» واژه‌های «سعی» و «اکتساب» در آیه مورد اشاره بیانگر این امر است که برای کسب باید سعی و کوشش کرد (مجلسی، ۱۴۰۶، ۴، ۳۹۵).

امیرمؤمنان (ع) بر تداوم تلاش و کوشش تأکید دارند. ایشان می‌فرماید: «کار اندکی که بر آن مداومت کنی، امیدبخش‌تر از کار زیاد است که از آن خسته شوی» (آمدی، ۱۳۷۳، ۲۶۲). و نیز می‌فرماید: «تمامی کار به کامل کردن آن است» (آمدی، ۱۴۲۹، ۷۵، ۹۱). کار غیرمداوم و بی‌ثمر همچون برق جهنده در تاریکی برای انسان فایده‌ای ندارد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «از برق جهنده برای کسی که در تاریکی فرورفته است بهره‌ای حاصل نمی‌شود» (آمدی، ۱۳۷۳، ۶). از دید ایشان:

این امر مستلزم به کارگیری تمام ظرفیت‌های ملی است. یکی از جنبه‌های جهاد اقتصادی، جهاد در تولید است؛ باید تولیدکنندگان و مدیران، سستی و تنبلی را کنار گذاشته و با تلاش و فداکاری در راه خدا و با داشته‌هایشان (از جمله مال، وقت، مدیریت، مهارت، علم و...) سعی نمایند تولیدات داخلی را (کمی و کیفی) ارتقاء دهند تا موجبات رونق تولید و فرهنگ‌سازی برای جهاد در تولید را فراهم نمایند. قرآن کریم در آیه ۱۵ سوره حجرات می‌فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که به خدا و پیامبر او ایمان آورده‌اند و دیگر شک نکرده‌اند و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کرده‌اند. اینان راستگویانند» مطابق آیه مورد اشاره، «مجاهده به مال و نفس است در راه خدا، گرچه فرد خاص آن، جهاد در رکاب پیغمبر و امام (علیهم السلام) است؛ لکن شامل باشد جهاد با شیطان و نفس در راه طاعت و فرمانبرداری الهی»؛ با این تفسیر، به نظر می‌رسد در حال حاضر که کشور درگیر جنگ اقتصادی است؛ مجاهدت در راه خدا با مال، می‌تواند سرمایه‌گذاری در تولید و اشتغال‌زایی برای جوانان کشور و فرمان‌برداری از رهبر انقلاب برای تحقق رونق تولید باشد.

۲-۳. غرور و خودبینی

غرور و خودبینی از دیگر موانع رونق تولید به ویژه از دیدگاه نهج‌البلاغه است. فرد خوبین و مغرور به اموری از قبیل دامپروری و کشاورزی تن نمی‌دهد و آن را مغایر شخصیت خود می‌داند؛ حضرت علی

(ع) می‌فرماید: «خودپسندی، انسان را از پیشرفت بازمی‌دارد» (آمدی، ۱۴۲۵، ۴، ۳۶۶). شغل و کار پیشیویان و پیامبران می‌تواند الگوی مناسبی برای این افراد باشد، زیرا پیامبران به مشاغلی چون چوپانی و کشاورزی و حفر قنات می‌پرداختند. حضرت علی (علیه السلام)، کار و تلاش را جوهر اسلام می‌دانند؛ «اسلام یعنی تسلیم حکم خدا و رسول بودن و... و به‌جا آوردن، عمل به آن‌ها است (در حقیقت اسلام عمل به دستورات خدا و پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) است) (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۵، ۱۱۴۴). ایشان برای اهمیت نقش کار و تلاش نمونه هم معرفی می‌کنند تا حرکت‌زایی و عاملیت، هرچه بیشتر و بهتر تبدیل به فرهنگ و هنجار جامعه شود. درباره حضرت داوود می‌فرماید: «به دست خود از لیف خرما زنبیل‌ها می‌بافت و به هم‌نشینان خویش می‌گفت: کدام‌یک از شما در فروختن آن‌ها مرا کمک می‌کند؟ و از بهای آن‌ها خوراک او یک‌دانه‌ی نان جو بود» (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۵، ۵۰۲). اسلام کسب‌وکار را واجب دانسته و برای افراد بیکار ارزشی قائل نشده است. خداوند تنها وسیله رسیدن انسان به خواسته‌هایش را کار و تلاش معرفی کرده است. در اسلام بر کار مهم و غیر مهم اشاره نشده و آنچه اهمیت دارد، کار و اشتغال و تولید است. کار و تلاش اقتصادی، افزون بر نقش مثبت در تعالی شخصیت انسان و کسب درآمد، توسعه و پیشرفت جامعه را به دنبال دارد. کار، منشأ اصلی تولید ثروت است. در بینش و تفکر اسلامی، کار خلاق و مولد، منشأ کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.

۳-۳. رباخواری

در نظام اقتصادی اسلام، یکی از موانع اساسی رونق تولید، ربا است. روابط اقتصادی مبتنی بر ربا، مشکلات عدیده‌ای برای اقتصاد جامعه ایجاد می‌کند و شکاف طبقاتی میان اقلیت پردرآمد و اکثریت تهی‌دست را فزونی می‌بخشد، میزان سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید را کاهش می‌دهد و تورم را می‌افزاید و ممکن است سرانجام اقتصاد کشور را فلج کند (فراهانی فرد، ۱۳۷۸، ۱۷). در آیات ۲۷۵-۲۷۶ سوره بقره آمده است: «کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می‌خورد، گاهی به پا می‌خیزد) این به خاطر آن است که گفتند: دادوستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست). درحالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق قبل از نزول حکم تحریم به دست آورده، مال اوست، (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد)، و کار او به خدا واگذار می‌شود، (و گذشته او را خواهد بخشید). اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتش‌اند، و همیشه در آن می‌مانند خداوند، ربا را نابود می‌کند، و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد». براساس آیات مورد اشاره، رباخواری موجب افزایش فقر در جامعه و تراکم ثروت در دست عده‌ای محدود و محرومیت

اکثر افراد اجتماع است، انفاق سبب پاکی دل و طهارت نفوس و آرامش جامعه و رباخواری سبب پیدایش بخل و کینه و نفرت و ناپاکی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۲، ۳۶۳). امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «خورنده (گیرنده) ربا و کسی که ربا می‌دهد و کسی که شاهد و ناظر ربا است و کسی که نویسنده ربا است در این که کار حرام انجام می‌دهند، مساوی هستند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ۱۴۴). اگر تولیدکننده با استفاده از وام ربوی به تولید اقدام نماید، در نتیجه پرداخت سود بالای ربا، هزینه تولید وی افزایش یافته و این امر به افزایش قیمت تمام‌شده کالای تولیدشده می‌انجامد و لذا با کاهش فروش و در درازمدت تولید با مشکل مواجه می‌شود (توتونچیان، ۱۳۷۱). هدف هر تولیدکننده‌ای تولید کالا با حداقل هزینه ممکن با هدف فروش بیشتر و لذا کسب سود بیشتر است اما اگر در نتیجه ربا، هزینه تولید افزایش یابد در نهایت فروش کاهش یافته و تولید توجیه اقتصادی ندارد.

نتیجه‌گیری

نتایج مقاله نشان داد که فساد سیاسی و اداری و رانت‌خواری و فقدان شایسته‌سالاری از مهمترین دلایل سیاسی عدم رونق تولید از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه است. همچنین، رخوت و کاهلی، غرر و تکبر و رباخواری از مهمترین دلایل اجتماعی تولید از منظر قرآن و نهج‌البلاغه است. فساد سیاسی و اداری از طریق ورود آشیان و وابستگان قدرت به اداره امور مانع رونق تولید می‌گردد. زیرا

در چنین وضعیتی آنچه مهم است تأمین منافع اقلیتی از آشنایان و وابستگان است که بدون نیاز به تولید و از طریق رانت انجام می‌پذیرد. از طرفی، تولید نیازمند تخصص و دانش است و فقدان شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی مانع ورود دانش و تخصص به فرایند تولید و مدیریت امور تولیدی می‌گردد.

آیات فراوانی، با سفارش انسان به تصرف صحیح و بهره‌مندی از برکات و نعمت‌های الهی و تأکید بر نامحدودبودن و کفایت منابع و تضمین روزی آفریدگان، از انسان خواسته است تا با اهتمام به تولید، نیازهای جامعه برآورده سازد. در واقع ارزشمندی تولید، یک اصل مهم قرآنی، در آیات عدیده‌ای بیان شده و خدای منان، با ترغیب بشر به آبادانی زمین، تصرف در نعمت‌های خدادادی، فراهم‌سازی زمینه تولید و دستور به آمادگی کامل که لازمه آن، تولید تجهیزات مورد نیاز است جایگاه برجسته تولید در فرهنگ قرآنی را معرفی می‌کند. از دیدگاه حضرت علی (ع)، باید مال دنیا هزینه آبادانی زمین شود و آن را از اهداف حکومت صالحان برمی‌شمارد و خود آن حضرت، هم این مدعا را در عمل ثابت می‌کنند که قنات‌های حفرشده آن حضرت شاهد این مدعا است. «حرمت ربا» و لزوم پرهیز از آن، یک اصل مسلم قرآنی، بر عرصه‌های مختلف اقتصادی است. از منظر آیات قرآنی، روابط اقتصادی مبتنی بر ربا، مشکلات عدیده‌ای برای اقتصاد جامعه ایجاد می‌کند، نظیر اینکه: شکاف طبقاتی میان اقلیت پردرآمد و اکثریت تهی‌دست را فزونی می‌بخشد، میزان

سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید را کاهش می‌دهد و تورم را می‌افزاید و ممکن است سرانجام اقتصاد کشور را فلج کند. عوارض اقتصاد ربوی در عرصه تولید، بیشتر خود را در کاهش سطح تولید و افزایش بیکاری، نشان می‌دهد. اگر تولید وابسته به وام‌های ربوی باشد، هزینه‌های تولید به گونه‌ای افزایش می‌یابد که تولیدکننده با توجه به قیمت محصول، مجبور به کاهش تولید خواهد بود و کاهش تولید، خسارت‌های فراوانی از جمله افزایش تورم و بیکاری را به ارمغان می‌آورد، در حالی که در نظام غیرربوی، به لحاظ مشارکت تولیدکننده با صاحب سرمایه، هزینه نهایی تولید، منطقی و معقول خواهد بود که خود، افزایش تولید را به دنبال دارد.

ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنیم.

سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- جمعی از نویسندگان، رونق تولید (کلید حل مشکلات اقتصادی)، چاپ اول، تهران، نشر سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (دعا)، ۱۳۹۸.
- چهاردولی، عباس، کرمی، علی، «الگوی مدیریت اسلامی با تکیه بر سیره شهدا، کاربستی اجرایی در کاربردی‌سازی تحول علوم انسانی اسلامی»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۴.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- حبیبی، نیکبخش، نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت ملی (اصول و مؤلفه‌ها)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (دعا)، ۱۳۹۴.
- حق پناه، رضا، «گذری بر اصول و معیارهای خدمت‌رسانی در اندیشه امام خمینی (ره)»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره چهل و سه، ۱۳۸۱.
- دشتی، محمد، نهج‌البلاغه، چاپ دوم، تهران، نشر پیام آزادی، ۱۳۷۷.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، تراز حیات (ساختار شناسی عدالت در نهج‌البلاغه)، چاپ اول، تهران، نشر دریا، ۱۳۹۰.
- رحیمی (روشن)، حسن، «نفی رانتیریسیم در نهج‌البلاغه»، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، شماره شش، ۱۳۹۳.
- آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم درر الکلم، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۳.
- آمدی، ابوالفتح، غرر الحکم و درر الکلم، جلد هفتاد و پنجم، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۴۲۹.
- آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، جلد چهارم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۵.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج‌البلاغه، جلد شانزدهم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
- اصغری، محمود، «اقتصاد مقاومتی، گفتمان راهبرد تولید ثروت در بستر نظام دینی از منظر رهبری (دام‌ظله)»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره چهار، ۱۳۹۵.
- الطبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، جلد پنجم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵.
- توانایی فرد، حسن، فرهنگ تشریحی اقتصاد، چاپ اول، تهران، جهان رایانه، ۱۳۸۵.
- توتونچیان، ایرج، «تحلیل مقایسه‌ای حد بهینه سرمایه‌گذاری در دو نظام بانکداری سرمایه‌داری و اسلامی در شرایط اطمینان و ریسک»، مجله اقتصاد و مدیریت، شماره چهارده و پانزده، ۱۳۷۱.

- سجادی، محمدهادی، «رویکردی به شایسته‌سالاری در گزینش کارگزاران»، مجله طویی، شماره پنج، ۱۳۸۵.
- سربندی فراهانی، علی‌رضا، «موانع تولید و پیشرفت علم در کشورهای در حال توسعه»، مجله سفیر نور، پیش‌شماره اول، ۱۳۸۴.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، چاپ سوم، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۶.
- شریف رضی، نهج‌البلاغه، جلد هجدهم، بیروت، دارالکتب اللبنانی، ۱۹۶۸.
- شمس اردکانی، علی، فرنام، حامد، «حمایت از تجاری‌سازی، تولید و سرمایه‌گذاری و رفع موانع تولید»، مجله‌نامه اتاق بازرگانی، شماره هشتاد و هشت، ۱۳۹۳.
- صادقی، سید محمدتقی، صادقی، سید جعفر، «اعتماد اجتماعی در قرآن»، در کتاب مقالات سومین همایش تخصصی قرآن و جامعه‌شناسی، همدان، ۱۳۹۰.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد چهارم، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۷.
- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد شانزدهم، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
- غلام‌پور، احسان، «بررسی رونق تولید اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم»، همایش جشنواره تألیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی - جایزه ویژه علامه جعفری (ره)، ۱۳۹۹.
- فراهانی فرد، سعید، «نقش بانکداری بدون ربا در رفع فقر»، دو فصلنامه نامه مفید، شماره هفده، ۱۳۷۸.
- فرصتی، ابوطالب، مبارزه با فساد اداری با رویکرد اسلامی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- فرقانی، قدرت الله، پیشران‌های رونق تولید، نشریه حصون، شماره سی و شش، ۱۳۹۷.
- فیض‌الاسلام، علی‌نقی، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، چاپ اول، تهران، نشر سپهر، ۱۳۶۵.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، جلد اول و هفتم، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۹.
- کاظمی، ملیحه سادات، عریضی سامانی، سید حمیدرضا، گل‌پرور، محسن، «رابطه ارزش‌ها و شخصیت مدیران با شایسته‌سالاری (مشارکت شهروندی و بیگانگی سازمانی در سازمان‌های دیوان‌سالار و سنتی)»، نشریه روان‌شناسی کاربردی، شماره هجده، ۱۳۹۰.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، جلد پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.

- گلکار، بهزاد، ناصحی‌فر، وحید، «مروری بر مفاهیم شایسته‌سالاری»، مجله توسعه مدیریت، شماره سی و نه، ۱۳۸۱.
- گنجعلی، اسدالله، عبدالحسین‌زاده، محمد، تیموریان، مرتضی، «بررسی معیارهای قرآن»، نشریه علمی تخصصی اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره یک، ۱۳۹۲.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، جلد چهارم، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶.
- مریدی، سیاوش، نوروزی، علیرضا، فرهنگ اقتصادی، چاپ اول، تهران، موسسه کتاب پیش برد و انتشارات نگاه، ۱۳۷۳.
- مشرف جوادی، محمدحسن، تئوری و مسائل اقتصاد خرد، چاپ سوم، تهران، نشر کانون پژوهش، ۱۳۹۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد بیست و دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، جلد یازدهم، چاپ اول، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد دوم، چاپ سی و دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد سوم، چاپ هفتم، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳.
- نصر اصفهانی، مهدی، نصر اصفهانی، علی، «شایسته‌سالاری در مدیریت جامعه با تأکید بر اندیشه‌های سیاسی امام علی»، مجله معرفت سیاسی، شماره هفت، ۱۳۸۹.
- واثق، قادر علی، «معیارهای شایسته‌سالاری در اسلام»، مجله معرفت، شماره صد و چهل و یک، ۱۳۸۸.
- همدمی، ابوالفضل، خطبه‌سرا، فساد مالی و اقتصادی، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- یدالهی، ماریه، غریبی، سجاد، «آسیب‌شناسی قوانین و مقررات «حوزه تولید» در نظام اداری ایران»، مجله مطالعات و پژوهش‌های اداری، شماره نه، ۱۴۰۰.



Sociopolitical and cultural Hurdles to the Production Prosperity from the View of the Quran and Nahj al-Balaghah

Mohammad Javad Khoshkhazeh¹, Fatemeh Shareyati^{2*}, Ali Hossein Ehteshami³

1. PhD Student Department of Quran and Hadith Sciences, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran

2. Assistant Professor Department of Quran and Hadith, Tuyserkhan Branch, Islamic Azad University, Tuyserkhan, Iran

3. Assistant Professor Department of Quran and Hadith, Tuyserkhan Branch, Islamic Azad University, Tuyserkhan, Iran

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 103-121

Article history:

Received: 25 Apr 2020

Edition: 30 May 2020

Accepted: 13 Jul 2020

Published online: 22 Sep 2020

Keywords:

Production, Production Prosperity, Political Corruption, Meritocracy, Quran, Nahjul Balagha

Corresponding Author: Fatemeh Shareyati

Address: Department of Quran and Hadith, Tuyserkhan Branch, Islamic Azad University, Tuyserkhan, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-5303-7021

Tel: 09183522472

Email: f.shareyati@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Production has been one of the major challenges facing the country's economy in recent decades. In this paper, an attempt has been made to explore the sociopolitical and cultural hurdles to the production prosperity from the view of the Quran and Nahj al-Balaghah.

Materials and Methods: This article is a descriptive-analytical method and the library method is applied.

Ethical considerations: In the present paper, the texts originality, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: From the view of the Quran and Nahj al-Balaghah, political and administrative corruption, lack of meritocracy, lethargy and lack of work and effort, as well as arrogance and usury are the most important sociopolitical hurdles to the production prosperity. From this point of view, production thrives when work and effort are central and criterion is value; political corruption and rent are eliminated.

Conclusion: Production and prosperity of production are the concepts of modern economics, and the teachings derived from the verses of the Quran and Nahj al-Balaghah are general guidelines that need to be applied as a source for general production prosperity as a general policy. It is obvious that the Quran and Nahj al-Balaghah, based on their general approach to phenomena, such as production boom, are the source of reference, and the development of precise and detailed instructions and mechanisms appropriate to the economic conditions requires careful expertise and the use of economic experts while paying attention to these resources.

Cite this article as:

Khoshkhazeh MJ, Shareyati F, Ehteshami AH. Sociopolitical and cultural Hurdles to the Production Prosperity from the View of the Quran and Nahj al-Balaghah. *Economic Jurisprudence Studies*. 2020; 2(3): 103-121.